

جابرین یزید جُعی و بررسی نقش وی در ترویج احادیث رجعت و مهدویت

سعید طاووسی مسرور^۱

سعید سرخی خوزانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۳۰

چکیده

رجعت از عقاید معروف شیعیان دوازده امامی است که اکثر علمای این مذهب درباره آن ادعای اجماع نموده‌اند و برخی از آنان نیز درباره آن کتابی جداگانه نوشته‌اند. یکی از نخستین افرادی که در دوره حکومت بنی امیه اقدام به تبلیغ این آموزه اعتقادی امامان شیعه و معارف مهدویت نمود، یکی از شاگردان نامدار امام باقر علیه السلام به نام جابرین یزید جعی است. اصرار او در بیان و تبلیغ رجعت در بین شیعیان و اهل تسنن سبب شد تا غالب علمای اهل تسنن به جرم این اعتقاد روایات او را بی اعتبار دانسته و او را به شدت تضعیف کنند. در این پژوهش با استناد به منابع فریقین، جابر جعی به مثابه یکی از منادیان و مروجین رجعت و مهدویت معرفی شده است.

واژگان کلیدی

جابر جعی، رجعت، مهدویت، شیعه، اهل تسنن.

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Saeed.tavoosi@atu.ac.ir).

۲. سطح سه حوزه علمیه قم و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته کلام اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران (Saeedsorkhi8@gmail.com).

مقدمه

واژه رجعت، در کتاب‌های لغت به بازگشت معنا شده؛ یعنی برگشتن به جایی که پیشتر در آن جا بوده است. یا به تعبیر دیگر بازگشت به محلی است که شروع از آن جا بوده است (سلیمیان، ۱۳۸۵ ش: ۲۹-۳۱؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ج ۱، ۲۲۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ۴۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۸۸؛ فیروزآبادی، بی تا: ج ۳، ۲۸). معنای اصطلاحی رجعت، اعتقاد به بازگشت دو گروه از مردگان، مؤمنان محض و کافران محض پس از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه است تا مؤمنان از برپایی حکومت جهانی عدل شاد گردند و کافران، از ذلت و حقارت ستمگران متألم شوند. گفتنی است که در بحث بازگشت مردگان، افزون بر کلمه رجعت از کلماتی مانند کزّه نیز استفاده شده است. این کلمه نیز به معنای بازگشت است (طریحی، ۱۴۰۸ ق: ج ۴، ۳۱). این واژه در روایتی از امام باقر علیه السلام به کار رفته است:

روزهای خدا سه تاست: «روز قیام قائم، روز رجعت (کزّه) و روز قیامت» (فتال نیشابوری، بی تا: ۳۹۲).

بعد از مشخص شدن معنای رجعت باید گفت در این موضوع (یعنی نسبت جابر جعفری و رجعت و مهدویت) تحقیق مستقل و جامعی وجود ندارد. با این حال برخی از مهم‌ترین کارهایی که پیش از این درباره جابر جعفری صورت گرفته عبارتست از:

- عباس عبیری، جابربن یزید جعفری گنجینه اسرار، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

- ابوالفتح جمشیدی مطلق، جابربن یزید جعفری وتفسیر او، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، استاد راهنما: جعفر نکونام، استاد مشاور: محمدعلی تجری، قم: دانشگاه قم، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۸۰.

- نعمت‌الله صفری، «جابربن یزید جعفری»، دانش نامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴، ج ۹، صفحات ۱۸۱ تا ۱۸۴.

- علیرضا هزار، «درنگی در شخصیت حدیثی جابربن یزید جعفری»، علوم حدیث، شماره ۲۴ (تایستان ۸۱)، صفحات ۹۸-۱۱۵.

بخش مربوط به جابر جعفری در:

- سید محمدعلی موحد ابطحی، تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، قم: سیدمحمد موحد ابطحی، چاپ اول، ۱۴۱۷، ج ۵، صفحات ۴۰-۱۲۲.

این آثار و برخی نوشته‌ها و مطالب پراکنده به جوانب اصلی مورد نظر این تحقیق نپرداخته‌اند.

رجعت در کلام علمای شیعه

شیخ حر عاملی، از علمای بزرگ امامیه در مورد رجعت می‌نویسد:

بدان، مراد از رجعت، زندگی بعد از مرگ و قبل از قیامت است. این معنا به ذهن متبادر می‌شود و علما نیز به آن تصریح کرده‌اند؛ چنان‌که از استعمالات آن فهمیده می‌شود و در بعضی از احادیث به آن تصریح شده است (حر عاملی، ۱۴۲۲ق: ۶۱).

در تفسیر نمونه نیز چنین آمده است:

رجعت، از عقاید معروف شیعه بوده و تفسیرش عبارت است از: بعد از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و در آستانه رستاخیز، گروهی از مؤمنان خالص و کفار و طاغیان بسیار شرور به این جهان باز می‌گردند؛ گروه اول مدارجی از کمال را طی می‌کنند و گروه دوم کیفی‌های شدیدی می‌بینند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۵، ۵۸۶).

اکثر علمای امامیه مانند صدوق، مفید، سیدمرتضی، فضل بن حسن طبرسی، سیدبن طاوس، مجلسی دوم (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۱۲۳) و غیر ایشان بر حق بودن رجعت ادعای اجماع نموده و بسیاری از محدثان متقدم شیعه در این باره کتاب‌های جداگانه (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۱۲۳-۱۲۴) نوشته‌اند (طیب، بی‌تا: ج ۱، ۵۸۶).

برخی دیگر از علمای امامیه رجعت را از معتقدات مسلم و جزو ضروریات مذهب شیعه شمرده‌اند (طیب، بی‌تا: ج ۱، ۵۸۶؛ سلیمیان، ۱۳۸۵ش: ۳۹). اما در مقابل، برخی آن را ضروری ندانسته و یا در ضروری بودن آن تردید کرده‌اند (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق: ۲۰۳)؛ به عنوان مثال شیخ عبدالکریم حائری یزدی در پاسخ به سؤالی درباره رجعت جسمانی چنین نوشته است:

احقر به واسطه کثرت اخبار، اعتقاد به رجعت دارم به نحو اجمالی. ولی این مطلب نه از اصول دین و مذهب است که اگر فرضاً کسی معتقد نباشد خارج از دین یا مذهب شمرده شود و نه از مسائل عملیه است که بر مکلفین لازم باشد اجتهاداً یا تقلیداً به دست آورند. در مثل این زمان باید به نحوی عمل کرد که حفظ دیانت مردم نمود و گفت‌وگوی این نحو مطالب به جز تفرقه کامله مسلمین و ایجاد یک عداوت مضر بین آنها فایده‌ای ندارد. الاحقر عبدالکریم حائری (اخوان صراف، ۱۳۹۳ش).

طرفداران ضروری بودن اعتقاد به رجعت، دیدگاه خود را با استناد به آیات و روایاتی اثبات

می‌کنند. مانند این دو روایت از امام جعفر صادق علیه السلام: «از ما نیست کسی که ایمان به بازگشت ما ندارد» (صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۴۵۸) و «هر کس به هفت چیز ایمان داشته باشد مؤمن است... [که یکی از آنها] ایمان به رجعت است» (صدوق، بی تا: ۲۹-۳۰).

ابن براج در این زمینه می‌نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام همراه با گروهی از امت‌های گذشته و آینده باز خواهند گشت و آیات و روایات فراوانی بر این اعتقاد دلالت دارد و خداوند فرمود: و روزی که برمی‌انگیزیم از هر امتی گروهی را؛ پس اعتقاد به رجعت واجب است (ابن براج، ۱۴۱۱ق: ۲۵۰).

شیخ حر عاملی نیز، در مورد ضروری بودن اعتقاد به رجعت در مذهب شیعه چنین

می‌نویسد:

از شمار ادله‌ای که رجعت را صحیح و ضرورت آن را بر هر آشنا با اخبار، مسلم دانسته، این است که در هیچ یک از ضروریات مثل وجوب نماز و حرمت زنا بیش از رجعت، حدیث وارد نشده است. شاهد این گفته، روایت عالمان اهل تسنن، چون فخر رازی، نیشابوری، زمخشری، شهرستانی، ابن ابی الحدید و... است که در کتاب‌های خود، شیعه را به رجعت معتقد دانسته و به آنان اعتراض می‌کنند. این خود دلیل است که رجعت صحیح بوده و مختص به امامیه و از ضروریات مذهب ایشان است (حر عاملی، ۱۴۲۲ق: ۸۷).

شایان توجه است که رجعت، از ضروریات مذهب شیعه دانسته شده و نه از ضروریات اسلام (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۵، ۵۶۱؛ ابوحاتم رازی، ۱۳۸۲ش: ۲۵۶-۲۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۱۲۲-۱۴۴؛ طیب، بی تا: ج ۱، ۵۸۶).

یکی از نخستین افرادی که در دوره حکومت بنی امیه اقدام به بیان و تبلیغ این آموزه اعتقادی امامان شیعه برای عموم شیعیان و اهل تسنن، نمود، جابر جعفی است. او در این راه متحمل سختی‌های فراوان شد و افزون بر آن که اهل تسنن روایات او را بی اعتبار دانستند؛ از سوی مخالفان مکتب اهل بیت علیهم السلام مورد اتهام و حتی ناسزا قرار گرفت.

جابر بن یزید جعفی شاگرد امام باقر علیه السلام

ابومحمد جابر بن یزید جعفی کوفی (بخاری، بی تا: ج ۲، ۲۱۰-۲۱۱) (حدود ۵۰-۱۲۸ق) (ابن سعد، بی تا: ج ۶، ۳۴۵؛ ابن قتیبه، بی تا: ۴۰۸؛ ابن عماد، ۱۳۹۹ق: ج ۱، ۱۷۵؛ موحد ابطحی، ۱۴۱۷ق: ج ۵، ۴۵-۴۷)، از اصحاب نامدار امام باقر و امام صادق علیهم السلام است. جابر از تابعان

بوده (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۹-۱۷۶)، یعنی از برخی اصحاب پیامبر ﷺ، عمدتاً از ابوظیفیل عامرین وائله لئی (طبرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۱۸۷؛ نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۷۶؛ دارقطنی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۳۰۲؛ برقی، ۱۳۸۳ق: ۴؛ مازندرانی، ۱۴۱۲ق: ج ۷، ۳۶۸) و جابر بن عبدالله انصاری (صدوق، ۱۳۶۲ش: ۱۲۴-۱۲۵؛ صدوق، ۱۴۰۵ق: ۱۴۰۵؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱ق: ۶۶-۶۷؛ بادکوبه هزاره، ۱۳۸۴ش: ج ۹، ۱۸۱-۱۸۴) روایت کرده است.

او اهل کوفه بود (ابن حبان، بی تا: ۲۰) و به احتمال فراوان در سراسر عمر به جز مدت ۱۸ سال (بین سال های ۹۴ تا ۱۱۴) (کلینی، ۱۳۶۵ق: ج ۱، ۲۷۱-۲۷۲) که برای کسب علم از امام باقر علیه السلام در مدینه اقامت نمود (صفدی، ۱۴۲۰ق: ۱۸۱) در کوفه می زیست.

او از مشایخ بسیاری حدیث شنید، اما بیشتر دانش خویش را از امام باقر علیه السلام در مدینه دریافت کرده است؛ البته از بعضی گزارش ها چنین فهمیده می شود که او پس از بازگشت به کوفه، در ایام حج نیز به حضور امام شرفیاب می شد (کلینی، ۱۳۶۵ق: ج ۱، ۳۹۶-۳۹۷).

او همچنین از امام صادق علیه السلام نیز روایت کرده (کلینی، ۱۳۶۵ق: ج ۱، ۲۷۱-۲۷۲؛ اسکافی، بی تا: ۱۸۳) اما این روایات در مقایسه با روایات از امام باقر علیه السلام بسیار اندک است (صفدی، ۱۴۲۰ق: ۱۸۳؛ براقی نجفی، ۱۴۲۴ق: ۴۷۶). از آن جا که جابر در زمان امامت امام ششم در کوفه مقیم بوده، احتمالاً برای شنیدن حدیث از آن حضرت، برخی اوقات (مثلاً ایام حج) به مدینه مسافرت می کرده است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۱ش: ج ۸، ۱۰۵۵).

روایات جابر به روشنی نشان می دهد که وی شیعه امامی بوده و نه تنها علاقه فراوانی به اهل بیت علیهم السلام داشته (صفار، ۱۴۰۴ق: ۶۹-۱۱۰؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ج ۱۶، ۱۹۵؛ نیشابوری کرابیسی، ۱۴۰۵ق: ۱۰۸)، بلکه از خلفای پیش از امام علی علیه السلام و بنی امیه نیز تبری جسته است (عیاشی، بی تا: ج ۲، ۵۰-۸۴؛ طوسی، ۱۳۶۵ق: ج ۲، ۱۰۹-۳۲۱؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ۳۸۴-۳۹۱). بعضی از معاصرانش نیز به شیعه بودن وی تصریح کرده اند (کشی، ۱۳۸۴: ۱۹۵). برخی از بزرگان اهل تسنن نیز او را از بزرگ ترین علما و رؤسای شیعه معرفی کرده اند (ذهبی، ۱۴۰۷ق: ۲۸۸؛ رازی قزوینی، ۱۳۵۸ش: ۲۳).

جابر بن یزید به امامت امام باقر علیه السلام اعتقاد راسخی داشت. وی از آن حضرت، با عنوان «سیدنا الامام» یاد کرده و امام را دریایی دانسته که هرگز نمی توان به قعر آن دست یافت (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۹۶). او هنگام نقل حدیث از ایشان چنین می گفته است:

شنیدم از وصی اوصیا و وارث علم انبیا محمد بن علی بن الحسین علیه السلام (یعقوبی، بی تا:

(۱۷۹).

بنابر روایتی، عمرو بن شمر، از جابر جعفی، علت ملقب شدن امام پنجم به باقر (شکافنده) را جویا شده است و او در پاسخ چنین گفته است: «زیرا او دانش را به خوبی شکافت و آن را شاخه شاخه کرد و به وضوح ظاهر نمود. از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که رسول خدا ﷺ به او فرمود: ای جابر! تو باقی می‌مانی تا فرزندم محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب را ببینی. او کسی است که در تورات به باقر معروف است. پس هنگامی که او را ملاقات نمودی، سلام مرا به وی برسان». این پاسخ نیز نشان‌دهنده اعتقاد و شدت ارادت وی به امام باقر علیه السلام است. رابطه او با امام باقر علیه السلام چنان بود که لالانی، او را نماینده امام در کوفه معرفی کرده است (لالانی، ۱۳۸۱ ش: ۱۴۸). ابن شعبه خزّانی، دو وصیت از امام باقر علیه السلام به جابر جعفی را نقل کرده که نشان‌دهنده جایگاه والای او نزد امام است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۲۸۴-۲۸۷). وی چنان که خود روایت کرده صفات یک شیعه راستین را از امام باقر علیه السلام فراگرفت و پس از وفات آن بزرگوار، معتقد به امامت امام جعفر صادق علیه السلام بود (ذهبی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۳۸۱). چنان که ابن شهر آشوب، نام وی را در کنار افرادی چون معاویه بن عمار مولی بنی دهن، زید شحام، ابوجعفر محمد بن علی بن نعمان آحول، ابو حمزه ثمالی و... در شمار خواص اصحاب امام صادق علیه السلام ذکر کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶ م: ج ۳، ۴۰۰). سید علی عقیقی علوی از حسین بن ابی العلاء و ابن عقده از زیاد بن ابی الحلال، روایتی از امام صادق علیه السلام را در تأیید او نقل کرده‌اند (حلی، ۱۴۱۷ ق: ۹۴).

جابر جعفی از دانشمندان نامدار شیعه است (سبحانی، ۱۴۲۰ ق: ج ۱، ۳۰۸) و مرجعیت علمی او در شاخه‌های علمی حدیث، تاریخ، فقه، تفسیر و کلام مطلبی است که حتی مخالفان سرسخت وی نیز بدان اقرار کرده‌اند. هر چند ذهبی و صفدی، او را ضعیف و رافضی خوانده‌اند اما از وی به «معدن و منبع علم» و «مرجع علمی» تعبیر کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۷ ق: ج ۸، ۵۱). او در کوفه از جایگاه علمی والایی برخوردار بود؛ شیعه و سنی از او روایت می‌کردند و علما با گرایش‌های گوناگون و متفاوت از او کسب علم می‌نمودند (سبحانی، ۱۴۲۰ ق: ج ۱، ۳۰۸). او در اواخر دوره اموی، یک مرجع عمده درباره علوم دینی زمانش به شمار می‌رفت، به طوری که بسیاری از دانشمندان معروف اوائل دوره عباسی، نزد وی شاگردی کرده و از او به عنوان راوی قابل اعتماد و دانشمند، روایت حدیث می‌کردند، حتی اگر با عقاید شیعی او موافقت نداشتند (Modarressi, 2003: 86-87).

وثاقت جابر

در میان محدثان، رجالیان، شرح حال نگاران و فقهای شیعه، نجاشی نخستین کسی است که در وثاقت جابر جعفی تردید کرده و او را مختلط خوانده است. بنابر نوشته وی، مفید در مورد جابر اشعاری سروده که بر اختلاط وی دلالت دارد (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۱۲۸). با وجود این خود مفید در رساله عدویه، جابربن یزید را از فقهای دانسته که طعن و ذمی بر آنان وارد نیست (مفید، ۱۴۱۴ق: ۲۵-۳۵). ابن داوود نیز با پیروی از نجاشی، نام او را در شمار افرادی که جرح شده اند، آورده است (ابن داوود حلی: ۱۳۹۲: ۲۹۹)؛ اما در عوض ابن غضائری با آن که بیشتر به جرح راویان پرداخته، جابرا ثقه دانسته است (حلی، ۱۴۱۷ق: ۹۴). عبدالجلیل قزوینی رازی نیز او را از روایات و ثقات ائمه علیهم السلام معرفی کرده است (قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۰۹).

با وجود این اختلافات در مورد وثاقت و عدم وثاقت وی، محدثان، رجالیان و شرح حال نگاران متأخر امامی عموماً درصدد توثیق وی برآمده و روایاتی را که در نکوهش او وارد شده توجیه کرده اند (مجلسی، ۱۴۲۰ق: ۴۲). از این میان حر عاملی ضمن اشاره به اختلاف اقوال درباره جابر جعفی، وثاقت وی را مرجح دانسته، معتقد است که با وجود اختلافات روایات در مدح و ذم وی و این که اکثر رجالیان او را تضعیف کرده اند، آنچه از ظاهر احادیث برمی آید، مدح وی و آنچه در ذم او وارد شده مبنی بر تقیه است (حر عاملی، ۱۳۸۵ق: ۷۵). مامقانی تنها به توثیق وی اکتفا نکرده و درباره او می نویسد آنچه از مجموع اخبار مستفاد می شود این است که این مرد در نهایت جلالت بوده و نزد صادقین علیهم السلام منزلتی عظیم داشته است. بلکه او اهل اسرار آن دو بزرگوار و مورد الطاف خاص و عنایت مخصوص ایشان بوده و در امور که ائمه علیهم السلام غیر از خواص آگاه به اسرار و مناقب اهل بیت علیهم السلام، بر آن امین نمی شمردند، امین آنان بوده است (مامقانی، بی تا: ج ۱، ۲۰۳-۲۰۴). رجالی معاصر شیعه، سید ابوالقاسم خوئی، تمامی علل تضعیف وی را در منابع شیعی توجیه کرده، نه تنها جابرا را از ثقات جلیل القدر معرفی کرده، بلکه چون مامقانی، وی را محرم اسرار اهل بیت علیهم السلام دانسته است (خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۳۴۴-۳۴۵).

جابرا نمی توان غالی دانست (موحد ابطحی، ۱۴۱۷ق: ج ۵، ۹۸-۱۰۰) زیرا در منابع، هیچ یک از تعبیر تند ائمه علیهم السلام که در مورد غالیان دیگر به کار رفته، در باب او ذکر نشده است (کشی، ۱۳۴۸: ۱۹۲، ۲۲۳، ۲۹۵ و ۳۰۱). برخی از فرقه نگاران متقدم شیعه، او را از اتهام غلو مبرا دانسته اند (نوبختی، ۱۳۵۵: ۳۴-۳۵) و در میان رجالیان شیعه، حتی کسانی که او را تضعیف

کرده‌اند، کسی به صراحت او را غالی نخوانده است (حائری، ابوعلی، ۱۴۱۶ق: ۲۱۸-۲۱۹). افزون بر این، چنان‌که پیش از این آمد، روایتی صحیح از امام صادق علیه السلام در مدح وی و تأیید عقیده‌اش وجود دارد (کشی، ۱۳۴۸: ۱۹۱-۱۹۲). روایتی درکافی به وضوح نشان می‌دهد که برخی روایات جابر برای عامه مردم و حتی شیعیان معاصرش، قابل پذیرش نبوده است؛ اما وقتی به یکی از ائمه علیهم السلام رجوع می‌کردند و از برخی روایات جابر می‌پرسیدند، امام به صدق جابر گواهی می‌داد (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۳۰۷). از مهم‌ترین علل غالی دانستن جابر جعفری وجود اخبار حاوی غلو و ارتفاع در میان روایات منسوب به اوست؛ حال آن‌که غلات برای مشروع جلوه دادن اعتقاداتی چون تناسخ، اشباح و اطله، دور و... روایاتی به نقل از اصحاب نامدار ائمه علیهم السلام چون جابرین عبدالله انصاری، جابرین یزید جعفری و... جعل نموده و منتشر ساختند. بدین سبب برخی احادیث سراسر مجعول غلات را روایات و اقوال خود جابر جعفری پنداشته و او را مختلط یا غالی معرفی کرده‌اند (نوبختی، ۱۳۵۵: ۳۴-۳۵). درباره غالی دانستن جابر و سوءاستفاده غلات از شخصیت و اخبار او، کلام محمدتقی مجلسی، شایان ذکر است:

از تتبع در اخبار جابر جعفری فهمیده می‌شود که او از اصحاب اسرار صادقین علیهم السلام بوده و کراماتی را بیان می‌کرده که عقول ضعفا تاب درک آن نداشته، بنابراین بعضی او را غالی دانسته و دو گروه بدو افترا زده‌اند: عامه و غلات (ابوعلی حائری، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۲۱۷-۲۱۸).

خاقانی نیز، بر این نظر است که جابر از اتهام غلو مبرا است و این که بعضی او را غالی دانسته‌اند، به سبب برخی روایات اوست که متضمن مطالب بالاتر از عقول اغلب مردم است (خاقانی، ۱۴۰۴ق: ۵۶). همچنین محمدهادی معرفت، اشاره دارد که جابر در مورد جایگاه و شأن ائمه اطهار علیهم السلام عقیده‌ای راسخ و متعالی داشت و همین سبب شد که او را در زمره غلات به شمار آورند (معرفت، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ۴۲۲). در نتیجه همچنین نمی‌توان گفت جابر در این موارد از جمله مسئله رجعت متأثر از غالیان بوده است بلکه این غالیان بوده‌اند که از او تأثیر پذیرفته‌اند.

جابر جعفری منادی و مبلغ رجعت و مهدویت

در سال‌های پیش از عزیمت جابر به مدینه، اعتقاد به علم لدنی ائمه علیهم السلام و تمایز آنان از دیگران و عقیده به مهدویت و غیبت در میان گروه‌های مختلف شیعی کوفه شیوع یافت (مظفر، ۱۴۰۲ق: سراسر کتاب). منازعات فراگیر گردید و نقل احادیث ناظر به فتن و انتظار

ظهور قائم فزونی یافت. در چنین فضایی و تحت تأثیر چنین اندیشه‌هایی جابر جعفی در پی امامی واجب الطاعه می‌گشته است تا در این مسائل اعتقادی و در میان مدعیان گوناگون، حق و باطل را از وی فراگیرد (جرار، ۱۳۸۴ق: ۱۹). بنابراین او به مدینه هجرت نمود و به حلقه شاگردان امام باقر علیه السلام پیوست و با قلبی آکنده از ایمان به امام، آموزه‌های اعتقادی مرتبط با مهدویت را فراگرفت و خود به مبلغ این آموزه‌ها تبدیل شد.

جابر از معتقدان به رجعت بوده (یحیی بن معین، بی‌تا: ج ۱، ۲۰۷؛ ابن قتیبه، بی‌تا: ۱۷) و علاوه بر این، در میان روایات وی، روایات فراوانی در باب ملاحم و فتن (ابن حماد، ۱۴۱۴ق: ۱۱۸؛ صادقی، ۱۳۸۵: ۳۴-۴۷)، مهدویت و علائم ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الیه (عیاشی، بی‌تا: ج ۱، ۶۱؛ نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۸۸-۲۹۱؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۹، ۳۸۱) وجود دارد که نشان‌دهنده ایمان و توجه ویژه وی به این آموزه اعتقادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام تواند بود. او از روایان حدیث مشهوری است که غیبت قائم عجل الله تعالی فرجه الیه را به خورشید پس ابر تشبیه می‌کند (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۲۵۳؛ مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۳۸۲). گفتنی است جابر از بازگویی برخی معارف مرتبط با مهدویت پرهیز می‌کرد زیرا در مخاطبانش کشش و توانایی درک این مباحث را نمی‌دید (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۴۳).

ابوزهره، او را در اعتقاد به رجعت بیشتر تحت تأثیر فرقه کیسانیه (شاکری، ۱۴۱۸ق: ۴۲-۴۹) می‌داند (ابوزهره، ۱۹۹۱م: ۶۶-۶۷). اگرچه کیسانیه را از پیشگامان اعتقاد به رجعت دانسته‌اند (ابوحاتم رازی، ۱۳۸۲ق: ۲۵۶؛ شهرستانی، بی‌تا: ج ۱، ۱۴۷)، اما دلیلی وجود ندارد که جابر از آنان تأثیر گرفته باشد؛ بلکه اعتقاد او به رجعت تحت تأثیر تعالیم امامان معصوم، شکل گرفته است (ابن طاووس، ۱۳۹۹ق: ۱۹۱). به طوری که او از متکلمان شیعه در عصر صادقین علیهم السلام به شمار می‌رود که در اصول دین و عقاید مذهب اهل بیت علیهم السلام متبحر بود (صدر، ۱۳۷۵ش: ۳۵۸؛ زنجانی، ۱۳۹۴ش: ۳۵۲؛ سبحانی، ۱۴۲۴ق: ج ۱، ۲۹۰-۲۹۱). آموزه‌های کلامی وی مأخوذ از صادقین علیهم السلام بوده و اعتقاد به وصایت و امامت ائمه اهل بیت علیهم السلام (فسوی، ۱۴۰۱ق: ج ۲، ۷۱۶)، علم امام (شمس‌الدین ذهبی، ۱۳۸۲ق: ج ۱، ۳۸۱)، تولی (کلینی، ۱۳۶۵ق: ج ۱، ۲۰۹) و تبری (طوسی، ۱۳۶۵ق: ج ۲، ۱۰۹-۳۲۱)، رجعت (حسن بن سلیمان حلی، بی‌تا: ۱۷-۱۸، ۲۶، ۲۹، ۳۷-۳۸) و مهدویت (نیلی نجفی، ۱۴۲۶ق: ۲۹-۳۰، ۴۲-۴۳، ۱۰۲-۱۰۳، ۱۱۱-۱۱۲) مهم‌ترین شاخصه‌های اعتقادی او است که نه تنها خود بدین عقاید، ایمان داشته بلکه در عصر اموی با استناد به احادیث ائمه اطهار علیهم السلام به تبلیغ این آموزه‌های کلامی می‌پرداخته

است (مسلم نیشابوری، بی‌تا: ج ۱، ۱۵؛ عقیلی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ۱۹۳-۱۹۴).

نکته‌ای که در این خصوص باید بدان توجه نمود تفاوت معنایی رجعت از دیدگاه کیسانیان و شیعیانی مانند جابر است. از نظر کیسانیان، مفهوم رجعت، بازگشت محمد بن حنفیه پس از سپری شدن دوران غیبت بوده که با مهدویت معنایی مترادف داشت. لیکن رجعتی که جابر و سایر شیعیان ائمه اطهار علیهم‌السلام و در کنار آنان، غلات منتسب به شیعه، بدان معتقد بودند عبارت بود از زنده شدن جمعی از مردگان پس از ظهور مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و و پیش از قیامت؛ علاوه بر این، جابر جعفری بنا بر نقل ابن جُحام (زنده در ۳۲۸ق) (انصاری، ۱۳۶۹ش: ج ۳، ۲۱۶) امام علی علیه‌السلام را همان دایة الارض (سلیمان حلی، ۱۳۷۰ق: ۲۰۶-۲۱۰) یاد شده در قرآن (نمل: ۸۲) دانسته که در آستانه قیامت ظاهر خواهد شد (ابن جحام، ۱۴۲۰ق: ۲۱۱-۲۱۵؛ عقیلی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ۱۹۴). در تفسیر قمی نیز به نقل از امام باقر علیه‌السلام آمده است: «خداوند، جابر [بن عبدالله انصاری] را رحمت کند که دانشش به حدی رسید که می‌دانست تأویل آیه (بی‌تردید آن کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد، تو را به وعده‌گاه باز می‌گرداند)، رجعت است». چنان‌که در همین منبع نیز نشان داده شده است، تأویل این آیه به رجعت پیش از جابر انصاری، توسط امام سجاد علیه‌السلام صورت گرفته است. گفتنی است به غیر از جابر جعفری، برخی از دیگر شاگردان امام باقر علیه‌السلام نیز، به رجعت معتقد بودند که از میان آنان می‌توان به ابوالجارود زیاد بن منذر اشاره کرد (جرار، ۱۳۸۴ش)، بنابراین نمی‌توان جابر را در این مورد تحت تأثیر کیسانیه دانست (میر ابوالقاسمی، ۱۳۷۷ش).

همچنین، روایت طبری از جابر جعفری که بنا بر آن، امام باقر علیه‌السلام منکر رجعت شده است، نمی‌تواند صحیح باشد (طبری، ۱۴۱۵ق: ج ۱۷، ۱۱۴) و احتمالاً حربه‌ای در توجیه نظر منفی اهل تسنن در باب رجعت، بوده است. زیرا بی‌تردید جابر به رجعت و واجب‌الطاعة بودن امام باقر علیه‌السلام اعتقاد داشته است. نمونه مشابه دیگر، روایتی در تاریخ دمشق ابن عساکر گویی جابر را از اعتقاد به رجعت میرا می‌کند، زیرا وی از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود:

هیچ کس در خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین عقیده‌ای نداشته است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۵۴، ۲۸۴؛ حرعاملی، ۱۴۲۲ق: ۸۷؛ نیلی نجفی، ۱۴۲۰ق: ۳۵۳-۳۵۶).

اما این روایت نیز مانند روایت طبری، نمونه‌ای است از روش مرسوم و رایج در مجادلات مذهبی آن روزگار که اندیشه‌ای را با نسبت دادن گفتاری مخالف آن، به پیشوایان مذهبی، مورد تردید و تضعیف قرار می‌دادند و یا از زبان بزرگان مکتب مخالف، مطالبی علیه معتقدات

پیروان آن مکتب، به دروغ جعل می نمودند (Modarressi, 2003: p. 91).

اعتقاد جابر جعفی به تطبیق دابة الارض به امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز تحت تأثیر آموزه های اهل بیت علیهم السلام (سلیمان حلی، ۱۳۷۰ق: ۲۰۸) به خصوص امام باقر علیه السلام است؛ هرچند روایات جابر در این باره به نقل از ایشان نیست (سلیمان حلی، ۱۳۷۰ق: ۲۰۶-۲۰۷)، اما این موضوع به طریقی غیر از جابر جعفی از آن حضرت روایت شده است (سلیمان حلی، ۱۳۷۰ق: ۲۰۸).

موضع اهل تسنن در برابر اعتقاد جابر جعفی به رجعت

محمد رضا مظفر در مورد نظر اهل تسنن در باب رجعت می نویسد:

اهل تسنن، عقیده به رجعت را خلاف عقاید اسلامی می دانند و آن را هیچ نمی پسندند. نویسندگان و شرح حال نویسندگان، معتقدان به رجعت را طعن و طرد کرده و آن را نشانه ای برای رد روایت راوی می دانند. گویا در نظر آنان، عقیده به رجعت، در شمار کفر و شرک یا بدتر از آن قرار دارد و به این بهانه، شیعه را می کوبند و ناسزا می گویند (مظفر، بی تا: ۸۱).

به نظر می رسد مهم ترین عامل تضعیف جابر در منابع رجالی و حدیثی سنی، اعتقاد او به رجعت باشد (مسلم نیشابوری، بی تا: ج ۱، ۱۵). چنان که برخی از معاصرانش بدان تصریح کرده اند (مسلم نیشابوری، بی تا: ج ۱، ۱۵؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ق: ۱۱۹؛ زرکلی، ۱۹۸۰م: ج ۲، ۱۰۵؛ زنجانی، ۱۳۹۴ق: ۳۵۳). مسلم در صحیح خود، از جریر روایت کرده است:

با جابر بن یزید جعفی ملاقات کردم، اما چیزی از وی ننوشتیم زیرا اعتقاد به رجعت داشت (مسلم نیشابوری، بی تا: ج ۱، ۱۵).

از زائنده (مزی، ۱۹۹۴م: ۲۷۳-۲۷۷) علت روایت نکردن وی از جابر را جویا شده اند و او در پاسخ چنین گفته است:

قسم به خدا جابر جعفی کذاب است و به رجعت ایمان دارد (یحیی بن معین، بی تا: ج ۱، ۲۰۷).

گفتنی است اصْبَغ بن نُباته و رُشید هَجَری از خواص اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام (تفرشی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ۲۰۷) نیز مانند جابر جعفی به جرم اعتقاد به رجعت، «زائغ» (منحرف) و «کذاب» خوانده شده اند (جوزجانی، ۱۴۰۵ق: ۲۴۰؛ ابن حبان، بی تا: ج ۱، ۱۷۳-۱۷۴). برخی از بزرگان شیعه، اهل تسنن را به سبب ترک احادیث جابر به علت اعتقاد به رجعت، سرزنش کرده اند و با ارائه دلایلی از قرآن و سنت برای رجعت، از جابر و اعتقادش دفاع نموده اند (ابن طاووس،

۱۳۹۹ق: ۱۹۰-۱۹۱؛ قمی شیرازی، ۱۴۱۸ق: ۲۸۷-۲۸۸).

متأسفانه در برخی منابع اهل تسنن، تصویری خرافی و غلوآمیز از اعتقاد جابر به بازگشت علی علیه السلام ارائه شده است. برای نمونه، مسلم در صحیحش روایت کرده که جابر جعفی معتقد بود تأویل آیه کریمه «فَلَنْ أُبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (یوسف: ۸۰) بدین قرار است که:

همانا علی علیه السلام در ابرهاست و خروج نمی‌کند تا هنگامی که منادی از آسمان ندا دهد که با فرزندش خروج کند (مسلم نیشابوری، بی تا: ج ۱، ۱۶؛ فسوی، ۱۴۰۱ق: ج ۲، ۷۱۵-۷۱۶).

نباید از این نکته غافل ماند که شیعه، همواره در اقلیت بوده و از طرف اکثریت اهل تسنن همواره تحت فشار قرار داشته است. برخی از متکلمان، فرقه‌نگاران و دیگر عالمان سنی در صدد آن بوده‌اند تصویری زشت از عقاید شیعه ارائه دهند و یا عقاید غلات را به صورت عقاید رسمی تمام شیعیان جلوه دهند. از این رو احتمالاً عقایدی به برخی شخصیت‌های شیعه، منسوب شده که روح‌شان نیز از آن بی‌خبر بوده است (تستری، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ۵۴۲). می‌توان نسبت دادن روایت مربوط به اقامت علی علیه السلام را در ابرها تا زمان قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به جابر جعفی، از این دست روایات مجعول دانست (امین، ۱۴۰۳ق: ج ۴، ۵۴۲). در این روایت عقیده شیعه مبنی بر ندای آسمانی به مثابه علامت ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف، با عقاید غلات تخیلی شده است (تستری، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ۵۴۲؛ ولوی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۷۲-۷۳). چگونه شخصیتی مانند جابر جعفی که خود کتاب مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام تألیف نموده (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۱۲۹)، می‌تواند امام علی علیه السلام را در ابرها بداند؟!

نتیجه‌گیری

جابر بن یزید جعفی، از اصحاب نامدار صادقین علیهما السلام و از بزرگ‌ترین علمای شیعه در اواسط قرن اول و اوائل قرن دوم هجری که اکثر عمر شریف خود را در شهر کوفه می‌زیسته است. همه علمای شیعه و سنی او را از بزرگ‌ترین علمای امامیه قلمداد کرده‌اند و عده‌ای او را به خاطر جایگاه والایی که در نزد حضرت باقر علیه السلام داشت، نماینده حضرت در شهر کوفه معرفی کرده‌اند. همچنین در مورد وثاقت و عدم وثاقت جابر دو دیدگاه مختلف وجود دارد اما بنابر شواهد و قرائن موجود، وثاقت وی احراز می‌شود چنان‌که برخی محققان رجال قائل بر همین نظر هستند.

زمانی که در کوفه پیرامون علم لدنی امام، تمایز امام با دیگران و اعتقاد به مهدویت و غیبت، نزاعها و اختلافاتی به وجود آمد که جابر را برای رسیدن به حقیقت و جواب این اختلافات و نزاعها مجبور به مهاجرت به سوی مدینه کرد تا با شاگردی از امام خویش نور هدایت و جواب این سؤالات را دریافت کند. او در مدت ۱۸ سالی که در مدینه شاگردی حضرت امام باقر علیه السلام را کرد، علاوه بر رسیدن به پاسخ این نزاعها و اختلافات، از منادیان و مروجین مهدویت و رجعت نیز گردید. همچنین اعتقادات او به رجعت و ترویج آن، تأثیر این مدت شاگردی او از امامان معصوم علیهم السلام بوده است به همین خاطر آنچه او از رجعت بیان کرده است با آنچه کیسانیان از رجعت بیان کرده اند تفاوت دارد و دلیلی بر انتساب او به این فرقه نمی باشد. البته افرادی مانند طبری و ابن عساکر گزارش هایی از رد رجعت توسط جابر بیان کرده اند که به دو دلیل این گزارشها فاقد اعتبار است: یکی این که اهل تسنن به رجعت اعتقاد ندارند و کسانی که به رجعت معتقد باشند را طعن و رد می کنند. از این رو رجعت را افسانه ای بیش نمی دانند. بنابراین مهم ترین عامل طرد جابر در منابع اهل سنت اعتقاد او به رجعت بوده است پس اگر او به رجعت اعتقاد نداشته چرا وی را طرد کرده اند؟ دیگر این که اخذ اعتقاد به رجعت از معصومان علیهم السلام توسط جابر استبعادی ندارد زیرا بیان رجعت فقط مختص جابر نبوده است و غیر از جابر، دیگر شاگردان حضرت امام باقر علیه السلام هم روایاتی درباره رجعت دارند.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۳۶۲ش)، *الامالی*، تهران: انتشارات کتابخانه اسلامی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۳۸۶ش)، *علل الشرایع*، نجف: منشورات المكتبة الحیدریة.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۴۰۴ق)، *من لا یحضره الفقیه*، به کوشش: علی اکبر غفاری، قم: منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلییة، دوم.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۴۰۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، به کوشش: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (بی تا)، *صفات الشیعة*، تهران: کانون انتشارات عابدی.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (بی تا)، *التوحید*، به کوشش: سید هاشم حسینی

- تهرانی، قم: منشورات جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية .
۷. ابن براج طرابلسی، عبد العزيز(۱۴۱۱ق)، *جواهر الفقه*، به كوشش: ابراهيم بهادری، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، اول .
۸. ابن جحام، محمد بن عباس بن مهيار بزاز(۱۴۲۰ق)، *تأويل ما نزل من القرآن الكريم فى النبى وآله*، به كوشش: فارس حسون، قم: الهادى .
۹. ابن حبان، ابى حاتم محمد(۱۴۱۱ق)، *مشاهير علماء الامصار*، به كوشش: مرزوق على ابراهيم، منصوره: دارالوفاء، اول .
۱۰. ابن حبان، ابى حاتم محمد(بى تا)، *كتاب المجروحين*، به كوشش: محمود ابراهيم زايد، مكه مكرمه: دارالباز .
۱۱. ابن حجر عسقلانى، شهاب الدين احمد بن على(۱۴۰۴ق)، *تهذيب التهذيب*، بيروت: دارالفكر، اول .
۱۲. ابن حماد مروزی، ابو عبدالله نعيم(۱۴۱۴ق)، *كتاب الفتن*، به كوشش: سهيل زكار، بيروت: دارالفكر .
۱۳. ابن داوود حلى، تقى الدين حسن بن على(۱۳۹۲ق)، *رجال*، به كوشش: سيد محمد صادق آل بحرالعلوم، نجف اشرف: مطبعة الحيدرية .
۱۴. ابن سعد، محمد(بى تا)، *الطبقات الكبرى*، بيروت: دارصادر .
۱۵. ابن شعبه حرانى، ابومحمد حسن بن على بن حسين(۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول*، به كوشش: على اكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، دوم .
۱۶. ابن شهر آشوب مازندرانی، ابو عبدالله محمد بن على(۱۹۶۵م)، *مناقب آل ابى طالب*، نجف اشرف: مطبعة الحيدرية .
۱۷. ابن طاووس حلى، سيد رضى الدين ابوالقاسم على بن موسى(۱۳۹۹ق)، *الطرائف فى معرفة مذاهب الطوائف*، قم: چاپخانه خيام، اول .
۱۸. ابن طاووس حلى، سيد رضى الدين ابوالقاسم على بن موسى(۱۴۱۳ق)، *اليقين باختصاص مولانا على عليه السلام بائمة المؤمنين*، قم: مؤسسة دارالكتاب(الجزائرى) و مؤسسة الثقليين لاحياء التراث الاسلامی، اول .
۱۹. ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف بن عبدالله(۱۳۷۸ق)، *التمهيد*، به كوشش: مصطفى بن احمد علوى و محمد عبدالكبير بكرى، مغرب: وزارة عموم الاوقاف و الشؤون الاسلامية .

۲۰. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب، به کوشش: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالجلیل، اول.
۲۱. ابن عدی جرجانی، ابواحمد عبدالله (۱۴۰۹ق)، الكامل فی ضعفاء الرجال، به کوشش: سهیل زکار و یحیی مختار غزاوی، بیروت: دارالفکر، سوم.
۲۲. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینة دمشق، به کوشش: علی شیری، بیروت: دارالفکر، اول.
۲۳. ابن عماد حنبلی، ابوالفلاح عبدالحی (۱۳۹۹ق)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت: دارالمیسرة، دوم.
۲۴. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن زکریا (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، به کوشش: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۵. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (بی تا)، المعارف، به کوشش: ثروت عکاشه، قاهره: دارالمعارف.
۲۶. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (بی تا)، تأویل مختلف الحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۷. ابو زهره، محمد (۱۹۹۱م)، ابو حنیفة حیاتہ وعصرہ، آراؤه وفقهہ، قاهره: دارالفکر العربی، چاپ جدید.
۲۸. ابوحاتم رازی، احمد بن حمدان (۱۳۸۲)، کتاب الزینة، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۲۹. اخوان صراف، زهرا (۱۳۹۳ش)، «نسبت منهج آیت الله شیخ عبدالکریم حائری با مکاتب اجتهادی رایج»، در: <https://mobahebat.ir/4063> (تاریخ بازیابی: ۱۴۰۱/۷/۲۰)
۳۰. اسکافی، ابوعلی محمد بن همام (بی تا)، التمهیص، قم: مدرسه الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشريف.
۳۱. امین، سید محسن (۱۴۰۳ق)، اعیان الشیعه، به کوشش: حسن امین، بیروت: دارالتعارف.
۳۲. انصاری، حسن (۱۳۶۹ش)، «ابن جحام»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، اول.
۳۳. بادکوبه هزاوه، احمد (۱۳۸۴ش)، «جابرین عبدالله انصاری»، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، اول.
۳۴. بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا)، التاریخ الكبير، دیار بکر: المکتبة الاسلامیة.

۳۵. براقی نجفی، سیدحسین بن سیداحمد (۱۴۲۴ق)، *تاریخ الکوفة*، تحقیق: ماجد احمد العطیة، بی جا: المكتبة الحیدریة، اول.
۳۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۸۳ش)، *رجال*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۷. تستری، محمدتقی (۱۴۱۸ق)، *قاموس الرجال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، سوم.
۳۸. تفرشی، سید میرمصطفی حسینی (۱۴۱۸ق)، *نقد الرجال*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، اول.
۳۹. جرار، ماهر (۱۳۸۴ش)، «تفسیر ابوالجارود زیاد بن منذر: مقدمه ای در شناخت عقاید زیدیه»، ترجمه: محمد کاظم رحمتی، *آینه پژوهش*، شماره ۹۵.
۴۰. جوزجانی، ابواسحاق ابراهیم بن یعقوب (۱۴۰۵ق)، *احوال الرجال*، به کوشش: سیدصبحی بدری سامرائی، بیروت: مؤسسه الرسالة، اول.
۴۱. حائری مازندرانی، ابوعلی محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶ق)، *منتهی المقال فی احوال الرجال*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، اول.
۴۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۵)، *رجال*، به کوشش: علی فاضلی، قم: دارالحدیث، اول.
۴۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، دوم.
۴۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۲ق)، *الإیضاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة*، به کوشش: مشتاق مظفر، قم: دلیل ما، اول.
۴۵. حلی، ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۷ق)، *خلاصة الاقوال*، به کوشش: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه نشر الفقاهة، اول.
۴۶. حلی، حسن بن سلیمان (۱۳۷۰)، *مختصر بصائر الدرجات*، نجف اشرف: المطبعة الحیدریة.
۴۷. خاقانی، علی (۱۴۰۴ق)، *رجال*، به کوشش: سید محمد صادق بحر العلوم، قم: مکتب الإعلام الاسلامی، دوم.
۴۸. خزاز قمی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الاثر*، به کوشش: سید عبداللطیف حسینی کوه کمری خوئی، قم: انتشارات بیدار.
۴۹. خطیب تبریزی، ولی الدین ابو عبدالله محمد بن عبدالله (بی تا)، *الاکمال فی اسماء الرجال*، به کوشش: ابواسدالله بن حافظ محمد عبدالله انصاری، قم: مؤسسه اهل البيت علیهم السلام.
۵۰. دارقطنی، ابوالحسن علی بن عمر بن احمد (۱۴۱۷ق)، *سنن*، به کوشش: مجدی بن منصور بن سید شوری، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول.

۵۱. دیلمی، حسن بن ابی الحسن علی بن محمد (۱۴۱۲ق)، *ارشاد القلوب*، قم: منشورات الشریف الرضی.
۵۲. ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۸۲)، *میزان الاعتدال*، به کوشش: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالمعرفة، اول.
۵۳. ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۴۰۷ق)، *تاریخ الاسلام*، به کوشش: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتاب العربی، اول.
۵۴. ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۴۱۳ق)، *الکاشف فی معرفة من له الروایة فی الکتب الستة*، به کوشش: محمد عوامة و احمد محمد نمر الخطیب، جده: دارالقبلة للثقافة الاسلامیة و مؤسسة علوم القرآن، اول.
۵۵. راغب اصفهانی، ابو القاسم حسین بن محمد (۱۴۰۴ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بی جا: دفتر نشر الکتاب، دوم.
۵۶. زکلی، خیرا لدین (۱۹۸۰م)، *الاعلام*، بیروت: دارالعلم للملایین، پنجم.
۵۷. زنجانی، موسی (۱۳۹۴ش)، *الجامع فی الرجال*، قم: چاپخانه پیروز.
۵۸. سبحانی، جعفر (۱۴۲۰ق)، *موسوعة طبقات الفقهاء*، بیروت: دارالاضواء.
۵۹. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۵ش)، *بارگشت به دنیا در پایان تاریخ*، قم: بوستان کتاب، دوم.
۶۰. سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی (۱۴۰۸ق)، *الانساب*، به کوشش: عبدالله عمر بارودی، بیروت: دارالجنان، اول.
۶۱. شاکری، حسین (۱۴۱۸ق)، *نشوء المذاهب والفرق الاسلامیة*، قم: مؤلف، اول.
۶۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (بی تا)، *الملل والنحل*، به کوشش: محمد سید کیلانی، بیروت: دارالمعرفة.
۶۳. صادقی، مصطفی (۱۳۸۵ش)، *تحلیل تاریخی نشانه های ظهور*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دوم.
۶۴. صدر، سید حسن (۱۳۷۵ش)، *تأسیس الشیعة الکرام لعلوم الاسلام*، قم: انتشارات اعلمی، دوم.
۶۵. صفار، ابو جعفر محمد بن حسن بن فروخ (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد ﷺ*، به کوشش: حسن کوچه باغی، تهران: مؤسسه الاعلمی.
۶۶. صفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک (۱۴۲۰ق)، *الوافی بالوفیات*، به کوشش: احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: دار احیاء التراث.

۶۷. صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۸۴ش)، «جابرین یزید جعفری»، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، اول.
۶۸. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ق)، المعجم الاوسط، قاهره: دارالحرمین.
۶۹. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، مجمع البیان، بیروت: مؤسسة الاعلمی، اول.
۷۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۵ق)، جامع البیان، به کوشش: صدقی جمیل عطار، بیروت: دارالفکر.
۷۱. طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ق)، مجمع البحرین، به کوشش: سیداحمد حسینی و محمود عادل، بی‌جا: مکتب النشر الثقافة الاسلامیة، دوم.
۷۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۶۵ش)، تہذیب الاحکام، به کوشش: سیدحسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چهارم.
۷۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۷۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، الغیبة، به کوشش: عبداللہ طهرانی و علی احمد ناصح، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة، اول.
۷۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الامالی، قم: دارالثقافہ، اول.
۷۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، رجال، به کوشش: جواد قیومی اصفہانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، اول.
۷۷. طیب، سید عبدالحسین (بی‌تا)، کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلام، سوم.
۷۸. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۸۱ش)، چهارده نور پاک، قم: انتشارات نوید اسلام، اول.
۷۹. عقیلی، محمد بن عمرو (۱۴۱۸ق)، کتاب الضعفاء الکبیر، به کوشش: عبدالمعطی امین قلجی، بیروت: دارالکتب العلمیة، دوم.
۸۰. عیاشی، محمد بن مسعود (بی‌تا)، تفسیر، به کوشش: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المکتبة العلمیة الاسلامیة.
۸۱. فتال نیشابوری، ابوعلی محمد بن حسن (بی‌تا)، روضة الواعظین، قم: منشورات الشریف الرضی.
۸۲. فراہیدی، ابی عبد الرحمن خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، به کوشش: مہدی مخزومی و ابراہیم سامرائی، قم: دارالہجرۃ.

۸۳. فسوی، ابویوسف یعقوب بن سفیان (۱۴۰۱ق)، *المعرفة والتاریخ*، به کوشش: اکرم ضیاء عمری، بیروت: مؤسسة الرسالة، دوم.
۸۴. فیروزآبادی شیرازی، مجدالدین محمد بن یعقوب (بی تا)، *القاموس المحيط*، بیروت: دارالعلم للجمع.
۸۵. قزوینی رازی، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل (۱۳۸۵ش)، *بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، چاپ میر جلال الدین محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، اول.
۸۶. قمی شیرازی نجفی، محمدطاهر بن محمدحسین (۱۴۱۸ق)، *الاربعین فی امامة الائمة الطاهرين*، به کوشش: سیدمهدی رجائی، قم: سیدمهدی رجائی، اول.
۸۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر قمی*، به کوشش: سیدطیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، سوم.
۸۸. کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ش)، *رجال*، (تلخیص) محمد بن حسن طوسی، به کوشش: حسن مصطفوی، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
۸۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، به کوشش: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹۰. لالانی، ارزینا آر (۱۳۸۱ش)، *نخستین اندیشه های شیعی: تعالیم امام محمد باقر علیه السلام*، ترجمه: فریدون بدره ای، تهران: فرزانه روز، اول.
۹۱. مازندرانی، محمد صالح (۱۴۲۱ق)، *شرح اصول الکافی*، به کوشش: ابوالحسن شعرانی و سیدعلی عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول.
۹۲. مامقانی، عبدالله (بی تا)، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، طبع قدیم بخط احمد بن محمد حسین زنجانی، بی جا: بی نا.
۹۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۰ق)، *الوجیهة فی الرجال*، به کوشش: محمد کاظم رحمان ستایش، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.
۹۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، به کوشش: محمد باقر بهبودی، بیروت: مؤسسة الوفاء و دار احیاء التراث العربی، دوم.
۹۵. مزی، جمال الدین ابوالحجاج یوسف (۱۴۰۸-۱۴۰۹ق)، *تهذیب الکمال*، به کوشش: بشار عواد معروف و شعیب الارنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، سوم.
۹۶. مسلم نیشابوری، ابوالحسین بن حجاج بن مسلم قشیری (بی تا)، *الجامع الصحیح*، بیروت:

- دارالفکر.
۹۷. مشہدی، ابو عبد اللہ محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، *المزور، به کوشش: جواد قیومی اصفہانی*، قم: نشر قیوم، اول.
۹۸. مظفر، محمد حسین (۱۴۰۲ق)، *علم الإمام، بیروت: دار الزہراء، دوم*.
۹۹. مظفر، محمد رضا (بی تا)، *عقاید الامامیہ، قم: انتشارات انصاریان*.
۱۰۰. معرفت، محمد ہادی (۱۴۱۸ق)، *التفسیر والمفسرون، مشهد: الجامعۃ الرضویۃ للعلوم الاسلامیۃ، اول*.
۱۰۱. مغربی، ابوحنیفہ نعمان بن محمد بن حیون تمیمی (۱۴۱۴ق)، *شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطہار، به کوشش: سید محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسۃ النشر الاسلامی، دوم*.
۱۰۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق)، *الارشاد، بیروت: دار المفید، چاپ دوم*.
۱۰۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق)، *جوابات اهل الموصل فی العدد والرؤیۃ، به کوشش: مہدی نجف، بیروت: دار المفید، دوم*.
۱۰۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونہ، تہران: دارالکتب الاسلامیۃ*.
۱۰۵. موحد ابطحی، سید محمد علی (۱۴۱۷ق)، *تہذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، قم: سید محمد موحد ابطحی، اول*.
۱۰۶. موسوی اصفہانی، سید حسن (۱۳۸۷ش)، *ثقات الرواۃ، نجف اشرف: مطبعۃ الآداب، اول*.
۱۰۷. موسوی خوانساری اصفہانی، سید محمد باقر (۱۴۱۱ق)، *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، بیروت: الدار الاسلامیۃ، اول*.
۱۰۸. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، *معجم رجال الحدیث، بی جا: بی نا، پنجم*.
۱۰۹. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۳ق)، *ارشاد السائل، به کوشش: موسی مفیدالدین عاصی عاملی، بیروت: دارالصفوة، اول*.
۱۱۰. میر ابو القاسمی، رقیہ (۱۳۷۷ش)، *غلات در دو قرن اول ہجری، پایان نامہ کارشناسی ارشد، تہران: دانشگاه تربیت مدرس / دانشکدہ علوم انسانی*.
۱۱۱. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۱۶ق)، *رجال، قم: مؤسسۃ النشر الاسلامی، پنجم*.
۱۱۲. نعمانی، محمد بن ابراہیم (۱۴۲۲ق)، *الغیۃ، به کوشش: فارس حسون کریم، قم: انوار الہدی، اول*.
۱۱۳. نوری طبرسی، حسین (۱۴۱۶ق)، *خاتمۃ مستدرک الوسائل، قم: مؤسسۃ آل البيت علیہ السلام*

لاحياء التراث، اول.

۱۱۴. نیشابوری کرابیسی، ابواحمد حاکم کبیر محمد بن محمد بن احمد بن اسحاق (۱۴۰۵ق)،
شعار اصحاب الحدیث، به کوشش: عبدالعزیز بن محمد سرحان، کویت: دارالخلفاء، [چاپ
مجدد] بیروت: دارالبشائر الاسلامیة، اول.

۱۱۵. نیلی نجفی، سید بهاء الدین علی بن عبدالکریم بن عبدالحمید حسینی (۱۴۲۰ق)،
منتخب الانوار المضمیة، قم: مؤسسه الامام الهادی علیه السلام، اول.

۱۱۶. نیلی نجفی، سید بهاء الدین علی بن عبدالکریم بن عبدالحمید حسینی (۱۴۲۶ق)، سرور
اهل الایمان فی علامات ظهور صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه، به کوشش: قیس عطار، قم: دلیل ما،
اول.

۱۱۷. ولوی، علی محمد (۱۳۶۷ش)، تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، تهران: انتشارات بعثت.

۱۱۸. یحیی بن معین غطفانی بغدادی (بی تا)، تاریخ، به کوشش: عبدالله احمد حسن، بیروت:
دارالقلم.

۱۱۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن واضح (بی تا)، تاریخ، بیروت: دارصادر.

120. Jafri, S. Husain M. (1981), The Origins and Early Development of Shi'a
Islam, London and New York: Longman.

121. Modarressi, Hossein (2003), Tradition and Survival a bibliographical
survey of early Shi'ite literature, Oxford: One World.